

نظامی گنجہ ای

هفت پیکر

صحیح

بہروز ثروتیان

www.ketab.ir



مؤسسۂ انتشارات امیر کبیر

تہران، ۱۳۹۱

نظامی، الیاس بن یوسف، ۶۱۴-۵۳۰ ق.

[هفت پیکر]

هفت پیکر نظامی گنجه‌ای / بهروز ثروتیان - تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.

ص ۷۳۱

ISBN 978-964-00-1107-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

چاپ سوم: ۱۳۹۱

کتابنامه: ص ۷۲۶-۷۲۱] همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. شعر فارسی -- قرن ۳ق. الف - ثروتیان، بهروز، ۱۳۱۶ - . مصحح

۸ ۱/۲۲

۱۰۹۳۳۴۴

PIR ۵۱۳۲

۱۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۱-۰۷-۲



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۳۶۵۸-۱۹۱

هفت پیکر (نظامی گنجه‌ای)

© حق چاپ: ۱۳۸۷، ۱۳۹۱، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: سوم

مصحح: دکتر بهروز ثروتیان

ویراستار فنی: امیرحسین قانع

صفحه‌آرا: معصومه محمدی

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: لوتوس ۱۲ روی ۲۲ بوبنت

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: چاپخانه سپهر، تهران، خیابان ابن سینا (بهارستان)، شماره ۱۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۸۹۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار
۱۵	مثنوی هفت پیکر
۷۳	علایم قراردادی
۷۹	۱. بسم الله الرحمن الرحيم
۸۳	۲. در نعت سید المرسلین علیه الصلاة والسلام
۸۵	۳. در معراج رسول الله صلی الله علیه و سلم
۸۹	۴. در سبب نظم کتاب
۹۴	۵. در دعای پادشاه سعید انار الله برهانه
۹۹	۶. در خطاب زمین بوس
۱۰۳	۷. در ستایش سخن و چند کلمه‌ای در حکمت
۱۱۱	۸. در نصیحت فرزند خویش
۱۱۵	۹. آغاز داستان شاه بهرام گور
۱۱۸	۱۰. صفت [سمنار] و ساختن قصر خورتق
۱۲۲	۱۱. صفت خورتق و ناپیداشدن نعمان از ملک خویش
۱۲۶	۱۲. شکار کردن بهرام و داغ کردن گوران
۱۲۹	۱۳. کشتن بهرام، شیر و گور به یک زخم تیر

۱۴. کشتن بهرام گور ازدها را و گنج یافتن ۱۳۱
۱۵. دیدن شاه بهرام صورت هفت پیکر در خورتنق ۱۳۵
۱۶. خبر یافتن بهرام از وفات پدر ۱۳۸
۱۷. لشکر کشیدن بهرام به زمین عجم ۱۴۱
۱۸. نامه نوشتن ایرانیان به شاه بهرام ۱۴۳
۱۹. جواب دادن شاه بهرام گور ایرانیان را ۱۴۷
۲۰. رسیدن نامه بهرام به ایران ۱۵۳
۲۱. برگرفتن بهرام تاج از میان دو شیر ۱۵۵
۲۲. بر تخت نشستن بهرام به جای پدر ۱۵۷
۲۳. صفت داد و عدل شاه بهرام گور در پادشاهی ۱۶۰
۲۴. صفت تنگی سال و شفقت بهرام بر رعیت ۱۶۳
۲۵. داستان بهرام با کنیزک خویشی ۱۶۷
۲۶. رفتن بهرام به مهمانی سرهنگ از سکاگاه ۱۷۳
۲۷. لشکر کشیدن خاقان چین و ظفر یاقص بهرام گور ۱۷۹
۲۸. عتاب کردن بهرام با امیران لشکر ۱۸۵
۲۹. خواستن بهرام دختران هفت اقلیم [را] ۱۹۱
۳۰. صفت مجلس بهرام در زمستان و ساختن هفت گنبد ۱۹۳
۳۱. صفت چگونگی هفت گنبد و عیش کردن شاه بهرام در آن ۲۰۰
۳۲. نشستن بهرام روز شنبه در گنبد مشکین و حکایت کردن دختر ملک اقلیم اول ۲۰۲
۳۳. نشستن شاه بهرام روز یکشنبه در گنبد زرد و حکایت گفتن دختر تضراروم ۲۲۸
۳۴. نشستن بهرام روز دوشنبه در گنبد سبز و حکایت کردن دختر پادشاه اقلیم سوم ۲۴۰
۳۵. نشستن بهرام روز سه‌شنبه به گنبد سرخ و حکایت کردن دختر ملک اقلیم چهارم ۲۵۲
۳۶. نشستن بهرام روز چهارشنبه در گنبد پیروزه و حکایت کردن دختر پادشاه اقلیم پنجم ۲۶۹
۳۷. نشستن بهرام روز پنجشنبه در گنبد صندلی و حکایت کردن دختر ملک اقلیم ششم ۲۹۱
۳۸. نشستن بهرام روز آدینه در گنبد سپید و حکایت کردن دختر ملک اقلیم هفتم ۳۰۹
۳۹. [صفت بهار] آگاهی بهرام از لشکرکشی خاقان چین بار دوم ۳۲۵

۳۲۸	۴۰	خبر یافتن بهرام از لشکر کشیدن دیگ یاره و آگاه شدن از شورش لشکر
۳۳۳	۴۱	رسیدن بهرام به خانه پیر شبان
۳۳۸	۴۲	بازخواست نمودن شاه بهرام وزیر را
۳۴۱	۴۳	شکایت کردن مظلوم اول
۳۴۳	۴۴	شکایت کردن مظلوم دوم
۳۴۵	۴۵	شکایت مظلوم سیم
۳۴۷	۴۶	شکایت مظلوم چهارم
۳۴۹	۴۷	شکایت مظلوم پنجم
۳۵۱	۴۸	شکایت مظلوم ششم
۳۵۳	۴۹	شکایت مظلوم هفتم
۳۵۶	۵۰	کشتن بهرام وزیر ظالم را
۳۵۸	۵۱	عذرخواهی فرستادن خاقان نزدیک بهرام
۳۶۰	۵۲	فرجام کار بهرام و ناپدید شدن او در غار
۳۶۸	۵۳	در دعای دولت پادشاه و ختم کتاب
۳۷۳		تعلیقات
۳۷۵		توضیحات و شرح ابیات
۶۲۹		واژه نامه
۷۱۷		فهرست مأخذ
۷۲۳		فهرست اعلام

پیشگفتار

خدا را شکر، تصحیح و شرح هفت‌یکر نظامی گنجه‌ای بیست سال پیش تمام شده و پیشگفتار آن به تاریخ ۲۱ دیماه ۱۳۶۵ شمسی رقم خورده بود که سرانجام به سال ۱۳۷۷ چاپ و منتشر شد. اینک با گذشت پنج سال از نخستین چاپ آن از عنایت حق و حمایت اولیای آگاه و دانای انتشارات امیرکبیر بار دیگر از سر بررسی شده و متن شین با شرح کوتاه ابیات دشوار، تقدیم باغ سرسبز زبان و ادبیات فارسی می‌شود.

واقعیت این است که از نظر تصحیح و شرح نخستین و حتی مشکول نویسی کلمات، نقص و عیب چندانی نداشت و مواردی که تغییر داده شده بسیار ناچین بوده است. در این مورد کافی است که خواننده کتاب و پژوهشگر علاقه‌مند به شعر و سخن نظامی گنجه‌ای در مقابله متن پاورقی و مراجعه به توضیحات ابیات، خود به داری بشیند و اگر با همه متون مشروح دیگر مقایسه‌ای بشود بی‌گمان حقیقت زحمت و دقت در این کار روشن‌تر می‌گردد:

ما که آجر تراش آن گرهیم بسند واگیر دامیان دهیم

(۴/۶۲)

این بیت را نظامی گنجه‌ای در سبب نظم مثنوی هفت‌یکر سروده و براعت استهلالی دارد به سرگذشت بهرام گزیده و قصر خورتق و گورخانی وی که می‌گوید هر آن گورخسری را که کمتر از چهار سال داشت و او می‌گرفت، داغ بر آن نهاده در صحرا رها می‌کرد و سرهنگی بیابان بر وی می‌داد و در مصراع ازل به قصر خورتق اشاره دارد:

گور اگر صد فکند پشتا پشت
خو، آن گور کرده بود حرام
نام خو، داغ بر رانش
هرکه زان گور دل دار یکی
گونک داغ ملک بر او دیدی
پسای او را ز بسند بگشادی
کمتر از چارساله هیچ نکشت
که نبودش چهار سال تمام
داده سسرهنگی بیابانش
زنده بگرفتی از هزار یکی
گسرد آزار او نگسردیدی
بوسه بر داغگاه او دادی

✽

ما که بنا نام و داغ سلطانیم
از چنان که روحان به گره و به راغ
در چنین گورخانه موری نیست
ختلی آن به که خوشترک رانیم
گور کناو داغ دید رست ز داغ
که بر او داغ دست زوری نیست

(۱۲/۳۴)

و با اشاره به همین بند واگیری دامیان ده است که نظامی خود اشاره‌ای به تاریخ و نوشته‌های تاریخی دارد و شاید سروده‌های فردوسی نرسی را درباره بهرام گور به خاطر می‌آورد و می‌گوید: نغزگویان توانسته درباره تاریخ زندگی بهرام گور و امثال او حق مطلب را ادا بکنند، و آجر این گره را ما می‌تراشیم اگرچه از نظر لفظ و کلام زیبایی سخن ایشان از اندازه است و لیکن در بیان معانی، سخن ما از دستی بلند است.

نغزگویان که گفتنی گفتند
ما که آجر تراش آن گرهیم
ز آن نمطاها که رفت پیش از ما
گرچه ز الفاظ خود به تقصیریم
مانده گشتند و عاقبت خفتند
بسند واگیر دامیان دهیم
نوبری کس نندیش از ما
در معانی تمام تقدیریم

(۴/۶۴)

ظاهراً آجر تراشی که اصطلاح معماری است برای کاتبان ناآشنا بوده و در دست‌نویسها این بیت به شکلهای مختلف دیده می‌شود.

آجر: ب ت ز - عسکر، ر (نسخه مرحوم وحید): اجری، ک (نسخه ریترووریکا): آجر.
دامیان، پ ت ح ر - داهیان.

برای مثال زنده یاد وحید دستگردی، می‌نویسد:

ما که اجری تراش این گرهیم بسند واگیر داهیان دهیم

(بیت ۹/ص ۲۰)

در همان صفحه و در حاشیه (۹) می‌نویسد:

«یعنی ما که وظیفه و اجری خوار گروه سخن سنج پیشینه بوده و از آن داهیان ده، در سخن بسند و اندرز، واگرفته‌ایم اگرچه نسبت به لغت عرب الفاظ فارسی ما کوتاهست ولی با همه کوتاهی الفاظ در مضمون و معنی کامل عبار هستیم، در بعضی نسخ ما که آجر (عسگر) تراش آن گرهیم - بندواگیر وامان (دامیان) رهیم (دهیم) غلطت.»

تمام شد نوشتن و شرح شادروان حسن وحید دستگردی شرح این بیت در متن پیشین و متن حاضر ذیل شرح بیت ۶۱، ص ۴ آمده است به تکرار آن نیازی نیست و لیکن درباره تصحیح و توضیح مرحوم وحید دستگردی این نکته گفتنی است که ایشان در آن زمان به دستنویس‌های پاریس و لندن و لین‌گراد (به ترتیب مورخ ۷۶۳ هـ. ۷۶۶ هـ. ۷۷۷ هـ.) دسترس نداشته‌اند و ما نیز اگر متن علمی - انتقادی از آثار نظامی کج‌جای از سوی فرهنگستان علوم باکو، چاپ و منتشر نشده بود، هرگز نمی‌توانستیم چهارده دستنویس قدیم را در اختیار داشته باشیم و این هر دو حرف گفتنی است که مرحوم حسن وحید دستگردی راه نظامی‌شناسی را هموار کرده‌اند، و فرهنگستان علوم باکو، امکان تحقیق و بررسی را برای همه علاقه‌مندان فراهم آورده‌اند و هر آن توفیقی که در این شرح و تصحیح به دست آمده است، مصحح این متن، مرهون زحمات ایشان است.

حادثه مهمی که در تصحیح متن هفت‌پیکر - و شرفنامه و اقبالنامه - رخ داده است، پیدا شدن نسخه خطی کتابخانه ملی تبریز است که در سال ۷۵۴ هـ. ق به دست اسماعیل محمود نوشته شده و از کتب اهدایی شادروان حاج حسین نخجوانی است و در کارنامه حسن دختر ذکر شده است. یا بررسی این نسخه که تنها نه (۹) سال پیشتر از نسخه اساس پاریس (۱۹۳۵ هـ. ق) نوشته شده است معلوم می‌شود که نسخ اساس پاریس - و لندن با نشانه - ب ت - افزون بر قدمت، استواری و صحت خود را نیز در اغلب موارد از دست می‌دهند و برعکس سه متن نخستین (مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، و خسرو و شیرین) ضعیف‌ها، افتادگی‌های قابل توجهی، در نسخه‌های اساس به چشم می‌خورد که گاهی حیرت‌آور است و گاهی نیز به نظر می‌آید کاتب از خود نوشته و یا متن مورد استفاده کاتب ناخوانا بوده است، امثله و شواهد فراوانی در این مورد

فراهم آمده است لیکن به نظر می‌رسد طرح مطلب خسته‌کننده خواهد بود و نظری به مضبوط - ب - ت در پاورقی ابیات، این حقیقت را به اثبات می‌رساند و این که نسخه بریتانیا با نشانه - ت - در سه مثنوی نخستین، جزو گروه مقابل و مخالف دو نسخه اساس - ب - ت - بوده، در هفت‌پیکر با دو نسخه مذکور هم‌خوانی دارد و در برابر آن دو نسخه کتابخانه ملی پاریس با علامت - پ - (۷۶۷) و نسخه استانبول با نشانه - ز - از گروه نسخ اساس جدا شده و با نسخه مرحوم نسجوانی - ن - موافقت دارد.

در این بررسی در شرح برخی از ابیات تجدیدنظر شده است و برخی نیز از نظر تصحیح و معنی بیت، لاینحل مانده (۲۹/۲۲ - ۲۳/۱۳) و در همه موارد صراحهً یادآوری شده است که تصحیح، و یا تفسیر بیت ممکن نگردد و اغلب با نشانه - ظ - و ظاهراً به وجود شک و گمان اشاره شده است، همچنین در این تحقیق نظر بر خلاصه و کوناهای مطلب بود و از آن جهت در تمام مواردی که گمان می‌رفت، ضبط اختلاف نسخه‌ها در پاورقی فاقد ارزش است و درستی متن تردیدی ندارد، نسخه بدلها حذف گردید و حتی اختلافات بی‌اهمیت نسخ اساس - ب - ت - با متن نیز از پاورقی حذف شد، همچنین در همه مواردی که مضبوط نسخه مرحوم وحید - باعلامت ر - به تنهایی شکلی نادرست را نشان می‌داد، در حاشا نوشته شد.

نکته‌ای که گفتنی است و دل به کتمان آن رضایت نمی‌دهد آن است که مثنوی هفت‌پیکر در عالم هنر ادبیات جزو آثاری است که خواندن آن از سوی اولاد و قلم و مخصوصاً کسانی که ذوق شعری دارند یک ضرورت است و هر آن کسی که بخواهد در مساحت خیالسازی و هنر مکتوب قدم بزند بی‌گمان باید با آثار هنرمندان نظامی گنج‌ای آشنایی داشته باشد و از نکته‌هایی که مخصوصاً در هفت‌پیکر نهاده شده است، بی‌خبر نماند.

در این مثنوی جای تحقیق ده‌ها اثر هنری و روان‌شناختی و اجتماعی است و دقت و باریک‌بینی نظامی گنج‌ای با حکمت و جهان‌بینی دینی وی در این اثر جاودانه به حد کمال خود می‌رسد. خواننده کتاب افزون بر رمزها و اشارات کلی شاعر در افسانه‌های هفت‌پیکر گاهی با نکته‌هایی بسیار باریک روبه‌رو می‌شود که شاید در نخستین برخورد معلوم نگردد، چنانکه نظامی در این کتاب از الکتریسته و برق ساکن موجود در پشم به وضوح، سخن می‌گوید:

بعد یک ساعت آن دو آهوچشم کآتش برق بودشان در پشم

و این که نور درخشش ستارگان از جایی دیگر است و هر هفت سیاره در منظومه شمسی از خورشید روشنایی گرفته و می درخشند به کنایه‌ای زیبا بازگو می‌شود:

شب چو زیر سمور انقاسی کسرد پنهان دواج برطاسی
تیغ بر میغ آبدار گذاشت جوشن شب هزار میخی گشت

(۳۸/۱۹۰)

حال و جور خیال‌انگیز آدمکهای الکترومکانیکی (روباتها) در داستان روز سه‌شنبه با عنوان طلسمهایی، که از سنگ ر آهن ساخته شده‌اند و هر آن کسی را که گام به قلعه طلسم، (قلعه قدرت حکومت) پای می‌نهد با دهره و تبر به قتل می‌رسانند بحثی دراز دارد که حتی نگهبان قلعه باید با حساب و شمار قدم بردارد و اگر یک شماره خطا بکند کشته می‌شود:

بست در راه آن حصار بلند از سرزیرکی طلسمی چند
ساخته آن طلسم از آهن و سنگ هر یکی دهره‌ای گرفته به چنگ
هر که رفتی بدان گذر که بیم گشتی از زخم تیغها به دو نیم
جز یکی - کان رقیب آن دز بود - هر که آن راه رفت عاجز بود
و آن رقیبی که بود محرم کار ره نرفتی مگر به گام و شمار
گریکی پی غلط شدی ز صدش اوفسادی سرش ز کالبدش
از طلسمی بدو رسیدی تیغ ماه عمرش نهان شدی در میغ

(۳۵/۶۳)

واقعیت این است که نظامی گنجهای و آثار گرانقدر او در میان مردم ما آن چنانکه شاید و باید شناخته نیست اگرچه از نظر هنر و جامعیت اندیشه و حکمت و مختصراً سلطه علمی شاعر و نویسنده‌ای هنرمند در حد او در عالم شعر نیست و نداریم و شاید دلیل این مطلب رازناک بودن آثار نظامی است که به گفته خود وی:

هر چه در نظم او ز نیک و بد است همه رمز و اشارت و خرد است

و آن که باید نظامی گنجهای و هر شاعر و نویسنده دیگر را به جهانیان بشناساند، اهل فضل و قلم هستند که متأسفانه در عصر ما در این بارگاه به روی همه باز نیست و یا کارها خود از نوع بازی است، اگرچه تا بوده دنیا همین بوده و در قرن و عصر نظامی گنجهای نیز بهتر از این نبوده است که، در سرآغاز هفت‌پیکر به شرحی دراز می‌گوید:

به کزین ره‌زنان کناره کنی بر خود این چاریند پاره کنی...

(۶۲ - ۷/۵۷)

و در بند پایانی، همه حرف دل خود را در یک کلام خلاصه کرده می‌فرماید: «بقه و دامن از دسترس ایشان دور نگه دارید»:

بقه آن است کز چنین خامان برکشند جیب و درکشند دامان

(۴۹/۳۶)

با این همه تاریخ کشور ما نشان می‌دهد که هرگز این سامان از وجود مردان و جوانمردان اهل حقیقت و تحقیق حالی نبود است و راز جاودانگی این فرهنگ زنده و سرسبز نیز در همین نهفته است «ابدی باد خط این پرگار».

در هر حال اگر خط و سهری در این متن هست دیده بر عفو و اغماض اهل قلم دوخته‌ام و بیشتر از این نتوانسته‌ام و خود می‌دانم که کوتاهی نکرده‌ام.

در خاتمه بر خود فرض می‌دانم از سمات و مساعدت اولیای محترم و فاضل سازمان انتشارات امیرکبیر صمیمانه سپاسگزاری بکنم.

یسارب آن ده که آرد آسانی ساورد عاقبت پشیمانی

گوردهشت کرج ۱۷/آبان ماه ۱۳۸۲

دکتر بهروز ثروتیان